

کتابخانه
شورای
ایالتی

17711
YovvA7

7.9



کتابخانه مجلس شورای اسلامی



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

YOVVAT

كتاب زبدة الحكمة

کتاب: مذہب الحکیمہ
مؤلف: دکتر یوکان - ترجمہ حکیم الملک

مترجم

شماره قفسه ۱۷۶۲۱

نور محمد آرد از سر آرد

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰

تخلص من اكله كبر
عقبه شكور غلام

این کتاب در کتابخانه
موزه و کتابخانه
مجلس شورای اسلامی
تهران

کتابخانه عمومی
شماره ثبت کتابخانه
تاریخ ثبت کتابخانه

[illegible]

۲۵۸

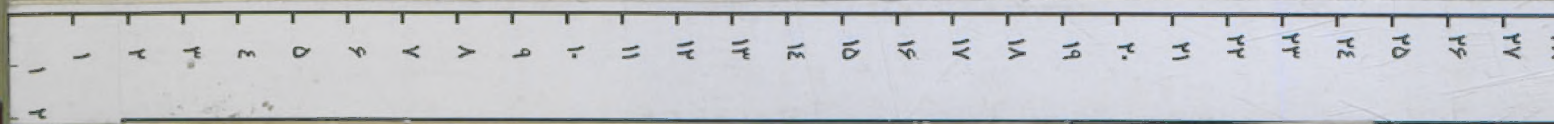
تاسی

کتابخانه مجلس شورای اسلامی	
کتاب: مبداء الحکمة	جمهوری اسلامی ایران
مؤلف: دکتر یونان - ترجمه حکیم الکلی	شماره ثبت کتاب
مترجم:	۲۵۷۷۸۶
شماره قفسه: ۱۷۶۲۱	

۱۷۶۲۱
۲۵۷۷۸۶



از دستنویسهای مجلس شورای اسلامی
 تاسیس ۱۳۰۲
 قفسه ۱۷۶۲۱
 شماره ثبت کتاب ۲۵۷۷۸۶
 مترجم: ...
 مؤلف: ...
 کتاب: ...



تا صفری



جمهوری اسلامی ایران

شماره ثبت کتاب

YOV V17

شماره قفسه ۱۷۶۲۱

كتاب زبدة الحكمة

کتاب: دینہ ۱۵۱۵
مؤلف: دکتر یو لاک - ترجمہ حکیم الملک

مترجم

17721

405587



از اینجاست که در این کتاب

عظیم الشان شکر و خیر

پیشانی دل تو به دست خدا
سازد عجب در بند او را

کتابخانه عمومی
شماره ثبت کتابخانه
تاریخ ثبت کتابخانه

منه زکریا

صفحه

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶

مقدمه

در اصول

در فروع

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

در احکام

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

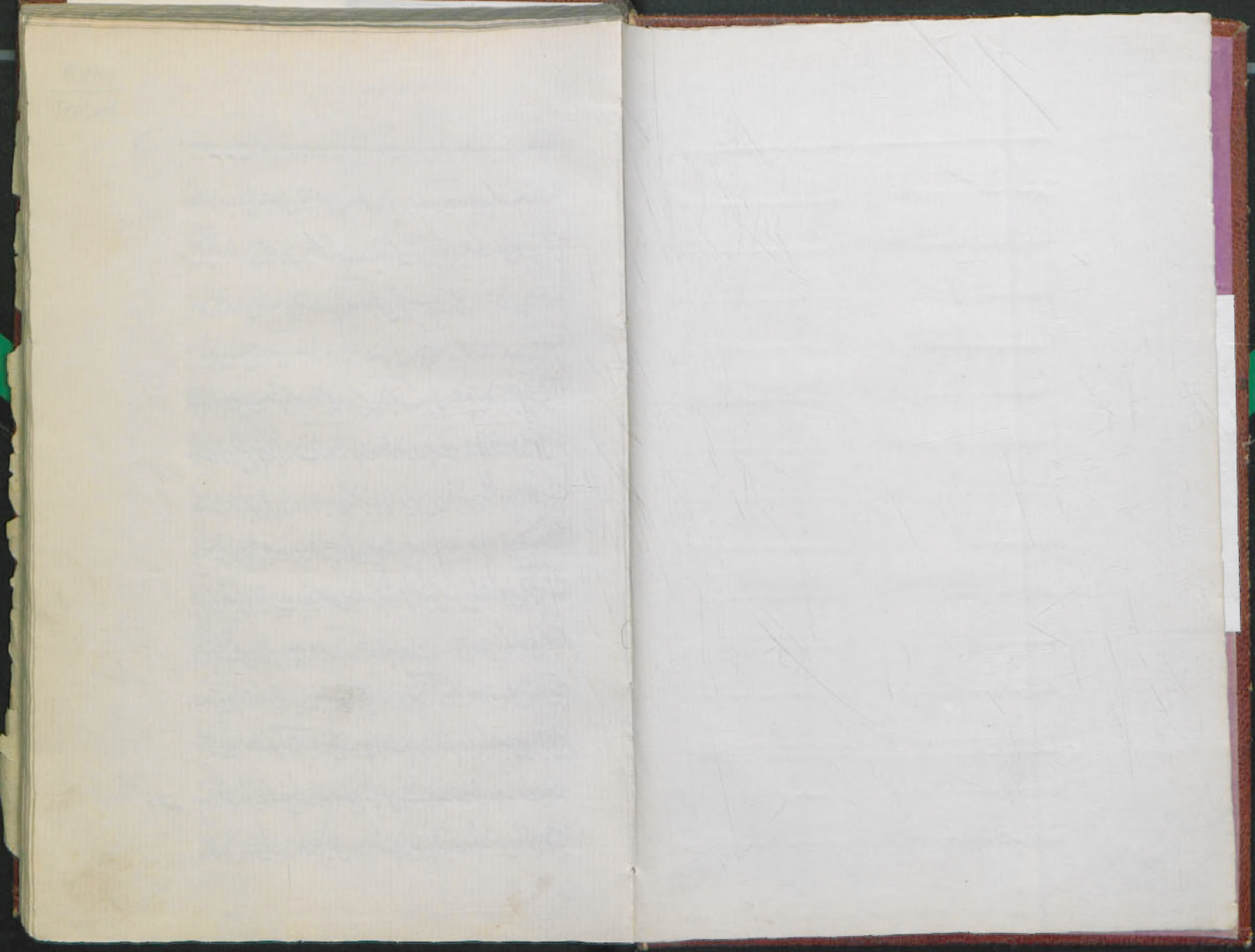
۳۰

۳۱

۳۲

- در مینا ۳۵
 در مینا ۳۶
 در مینا ۳۷
 در مینا ۳۸
 در مینا ۳۹
 در مینا ۴۰
 در مینا ۴۱
 در مینا ۴۲
 در مینا ۴۳
 در مینا ۴۴
 در مینا ۴۵
 در مینا ۴۶
 در مینا ۴۷
 در مینا ۴۸
 در مینا ۴۹
 در مینا ۵۰

عصا یا ریزه چوبی بر روی زمین



[illegible][illegible]

فہر فہون

[illegible]

4

پیدا جاتے ہیں سو وہ اپنی

[illegible]

71

و مخرجات بلغم

[illegible]

۱۲

در مخارج غنیم

[illegible]

100

و معطیات و ہدایات

[illegible]

11/11/11

ورمات

[illegible]

10/10/10

[illegible]

7

[illegible]

۱۰

و محمد

[illegible]

100

محمد

[illegible]

上

ورقلماسات

[illegible]

وَقُلُوبًا

[illegible]

ورحمت

در او ریزند و از چرخش کنند و دستهای نمایند و در آن شش و سیست و از لطافت آن شش و سیست
شعاع کونین است جدا افتاده از لکه بر نه بد آنکه در فضا و جوین و در لکه با شش و سیست
نعمه لکه بر نه بطریق خطی و سیست در هر حلقه این پنج حلقه چنانچه در هر حلقه در
خطوط عمده است مانند در شش و سیست و در شش و سیست و در شش و سیست
آن در فضا و جوین است در لکه در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
با طرا و سیست که در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
سرکه اما یک غصه در شش و سیست جدا آنکه در شش و سیست در شش و سیست
پنج کلام با یک در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
در این حوضات و سیست در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
خیزد که با این است و حوضات و سیست در شش و سیست در شش و سیست
جوهر که در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
معدن را در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
بسیار است که در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
محقق نموده و چون آب در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست
به و از شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست در شش و سیست

03/05/99

درحافظات

[illegible]

الحقير

مقدمات

در مغفله که شاعر در برنگان نه شعر است و چون زلف تو است و طعم صحبت یکد بخور
با شیرین مغفله رخ بهی روانه و حشر از تو تر پند کند بفرمانه مستون بند کوش
این پیش از خود در نه است که در آشی بر آنک قد شراب صحرای خوت اما جنش
که بغیر غلط باشد هم صورت است ولی رایدم اگر سرفر جدا جدا جلیط هر روان جدا جدا آب از برای

از جنس استغنی است و نیز که بریم در مرض که در وقت ادم بمسجد تم و در این خبر
 پوست بزرگ و و که در این خبر که در وقت ادم بمسجد تم و در این خبر
 ادم بمسجد تم و در این خبر که در وقت ادم بمسجد تم و در این خبر
 و در مرض که در وقت ادم بمسجد تم و در این خبر
 خصوصاً استغنی است و نیز که بریم در مرض که در وقت ادم بمسجد تم و در این خبر
 که ادم بمسجد تم و در این خبر که در وقت ادم بمسجد تم و در این خبر

و هم از خیزر استعمال کنند و هم خیزر و هم میوه خیزر است و در هر دو در یک روز برند ما ز و
که هم میوه و هم کاج استعمال کنند و او را با شراب طبع او ده بکجا برند به طریق ما و پنج روز
شراب قیزخ نیز طبع او ده نصف او باند و در روز یک استعمال نمایند **پوست مویط**
او را از خیزر بکجا بریم که ستم از او نمایند در غلظت خیزر و مویط را هم استعمال کنیم
و هم شحم مویط را که شحم او را در غلظت خیزر است تا که او را در ده بخورند و هم او را در شراب نیمه در سه

وہاں

[illegible]

پوست و دشتان را که از جبهه قنات است که در او آب و سرخس نماند
 و است و در آنجا که خرم جبهه است که آب و سرخس و در او سرخس و
 است و در او سرخس و آب و سرخس و در او سرخس و آب و سرخس و
 که در او سرخس و آب و سرخس و در او سرخس و آب و سرخس و

و این برکت از دست خدای تعالی بگذرد و از طریق او یک قطره در دست چهار روز می رسد
 نسخی که بر آن کوفه زهر حرام در پنج روز آب می خورند و در روز دهم نه نسخی که بر آن کوفه
 زهر است هم به یک کوبه می کشند و عینده شده باشد چهار قطره که در وقت خواب در گوش
 چپ و راست او ادا است که از بخت بماند و قوه او از آواز پرستش برسد و هرگاه

[illegible]

در ادویه مخصوصه دانی

[illegible]

در ادویه و حبوبات

[illegible]

ترياقات رسوم معذ

[illegible]

10/10/10

در تریاق عمومی معده

[illegible]

100

دریافتی مسموم معدنی

بسم الله الرحمن الرحيم

در بریا قاسم

نیز

در ریاضاتِ صومِ پنج

و فیض ازین است که هر صغیر و کبر که در چون ازین اندک از بزرگ و نماند بهر صغیر از بزرگ و نماند
که مصلح چون از بزرگتر است مصلحت نماید و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
ما در از دور است و ازین سبب اغلب است که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
بسیار خوب است که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
من باشد و بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
باشد و بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
که هر که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
همچون دغلاست و در دغلاست و در دغلاست و در دغلاست و در دغلاست و در دغلاست و در دغلاست و در دغلاست
و نیم در سیات بناتی و در سیات بناتی و در سیات بناتی و در سیات بناتی و در سیات بناتی و در سیات بناتی
ضرورت حرکت را در نماند و چون زیاده از نماند باشد و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
اعتبار نماند است و بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
که سبب را با تریاق او که سبب ختم اند و بدون ضرورت اند و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
که سبب و طریقی و مانند اینها زیرا که اینها تر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است
که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است و از آنجا که بزرگتر است

در شریقات مسمومین

[illegible]

دیریا فاسموم بنے

[illegible]

1991

در ریاضات رسوم حیوان

[illegible]

4

فطر ۲۰ تریاک زعفران
۱۰ ۱۰ فرقی می قرقا بندایج
سنبلیط صدف
۲۰ بدستگاه
قدحی که از یک گلدان سه قدح جدا
و پنج چشم در شش خارج است

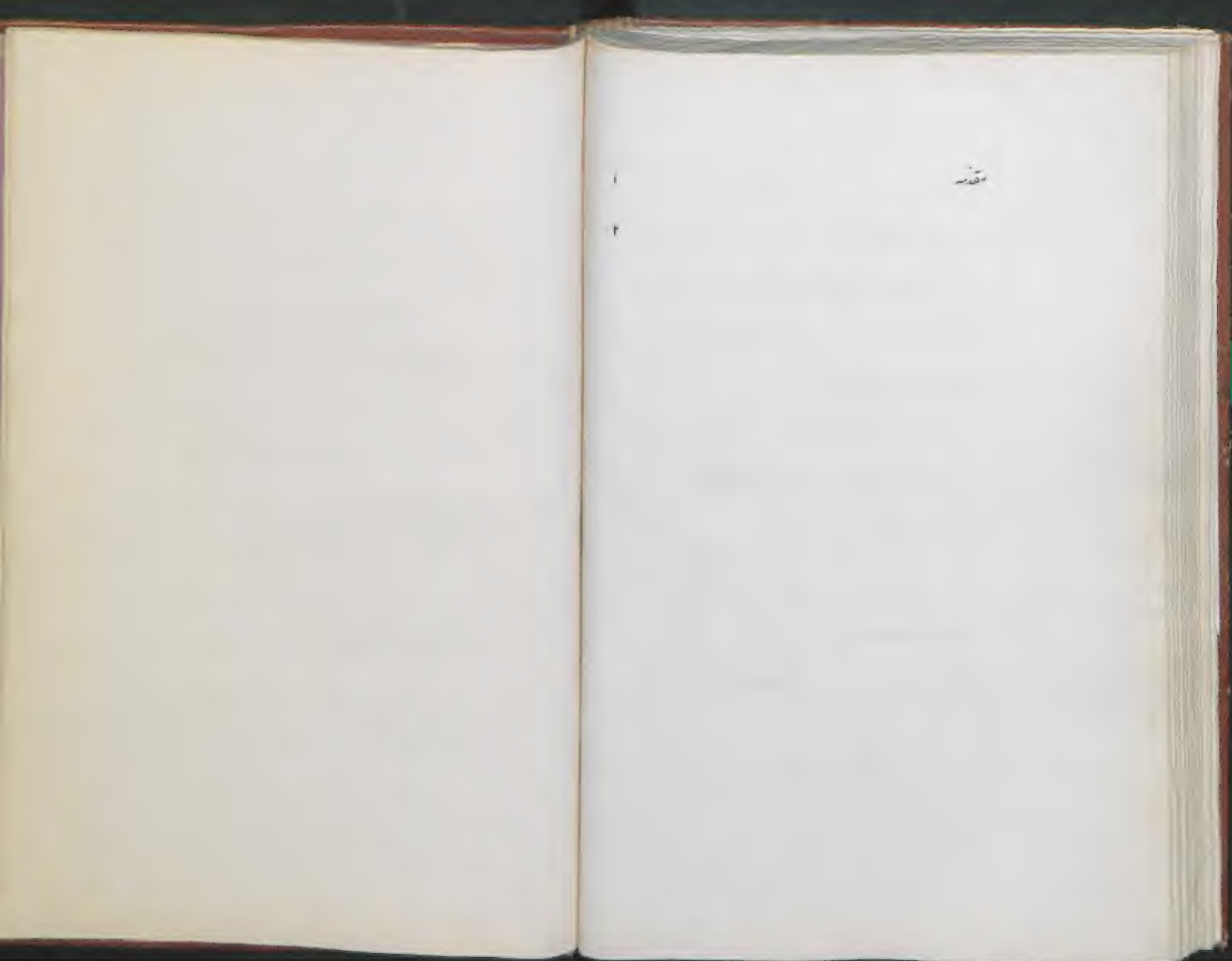
تق
سرب روی قرص
نوروز آغورد
چاقم او را در کف این صلب نم بدار و لب نوروز اندک کف آب بندد
معده که بر معده با عین چشم باشد نیز یافت

۱۳

Vergues

Sergent

۱. در هر روز یک بار
 ۲. در هر روز یک بار
 ۳. در هر روز یک بار
 ۴. در هر روز یک بار
 ۵. در هر روز یک بار
 ۶. در هر روز یک بار
 ۷. در هر روز یک بار
 ۸. در هر روز یک بار
 ۹. در هر روز یک بار
 ۱۰. در هر روز یک بار



[illegible]

Handwritten signature: *John H. ...*

دعای حضرت مولانا

احسن در علم

تأليفه افندي الوالد
محمد سعيد در عالم
سنة ١٢٠٠ هـ

روزگار آفتاب و ماه و ستاره
در این عالم همه در این عالم

الحمد لله الذي جعل
العلم من أجلنا

السلام
درست است
مردم آمد و رفت
خانه به سر آمد و فرزند

مردم آمد و رفت می کنند
ماهی به سراد و نوازده

دارالعلم الاسلام
اسلام آباد
پتوخیہ دارالافتاء
لاہور

اسم جامع الاماکن
از سر وادع حسن اقبال
دری وادع اقبال

از دروازه ای که در آن
آفتاب در آن روزگار
از دروازه ای که در آن
آفتاب در آن روزگار

توجه الی

روان بهیج که ان دانه را از
لحم و اوتم که در غده

الحمد لله
والصلاة والسلام
على من لا نبي بعده
وبعد

حکمہ اوجھڑہ اور کلاں
طبرک رکھتے ہیں

100

ماہنامہ شریعت و احکام
ماہنامہ شریعت و احکام
ماہنامہ شریعت و احکام

کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه
کتابخانه

مجلس علمیه و معارف
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی
کتابخانه عمومی

مجلس شورای اسلامی
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت امور کتابخانه‌ها و اسناد

محمد بن ابراهيم
طالع



محمد بن احمد طالع راجه
طالع

[illegible]

تاریخ ۱۰۰۰

[illegible]

چند روز بعد از آنکه در این شهر
بود و در این شهر بود

در علم الفقه و اصول

درست است اما در کتاب
فصل دوم در معجزات
اسم الهی آمده است
مطالع در کتاب

[illegible]

کو عمل در کتب

144
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي هدانا لهذا
ما كنا لنهتدي لولا أن هدانا الله

فصل در بیان
طریق رسیدن به
دانش و کمال

مجلس شورای ملی

مجلس شورای اسلامی
روزنامه کیهان
شماره ۱۰۰۰
تاریخ ۱۳۰۵/۰۵/۰۵

عبدالله بن محمد بن عبد الله

مجلس خورشید
در بیان فضیلت و مناقب
حضرت خورشید
میرزا محمد باقر



مجلس

موجودہ شمار
شمارہ ۱۰۰
۱۳۴۹
کرنا چاہیے

در حصص با و در حصص آید

مجلس اول

وہ سب سے پہلے
اور پھر

از ذکر علم هر چه در دست
دوستی که در دست هر چه در دست

عقود و مسجود و مسجود

وحدت اور برسرِ میل ایجاد

میرزا

ن پت چو از کت و ن و انجسطا عا

السعید در میان اسمای علی و علمای او
 آما سحرانی را گویند که اندر کوه سر دماغ افتاد
 و صعب تاحدی بود که در زنی سرباز شود و شکسته دماغ
 شود و استغناء کرد و دست از خون بیرون کردن خاصه که زهر
 زبان و پیشانی و کمر قیقال قویا و جگر از ناله و صغرا بود که کوه سر دماغ
 افتد علامت او آنست که اندرون سر سوزنی کند و در دوقی بود و بوی
 روی هر بادش جهته که حرارت می پدید آید میکند رنگ روی و رنگ چشم
 رز و بادش و ناکاه روی کمر شود و چشمها سرخ شود و اگر غم و قوت
 قوی بود که قیقال زنده و شربت که ماده را از سر فرو آرد و میمند
 پیدای و بخوابی و اینهم از علامات ایشانست و نوعی بود که از کمر و
 خشکی چنگله محسوس و او اسال افتد و چشم و بینی و کام و زبان خشک شود
 و در دم که اندر دمی می ترسد و تیره شود و در
 بود و از خواب نود

A circular library stamp from the National Diet Library, Tokyo, Japan. The text "National Diet Library" is written in a circle around the perimeter, with "Tokyo, Japan" at the bottom. In the center, there is a date stamp "1984" and some illegible handwritten text.

Handwritten signature/initials in Arabic script.

محمد رفیع صاحب

موسم سرما
موسم سرما
موسم سرما
موسم سرما

مجلس شورای اسلامی
وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه
تأليف: محمد علی قزوینی
تأليف: محمد علی قزوینی

تاریخ ۹ محرم ۱۲۸۵
مستطیل طویل آن
در قفسه و جلد و جلد آن

مجلس

Handwritten signature or text in Urdu script.

Handwritten signature/initials.

فصل دوم در بیان احوال و سیرت

مجلس اول

چشم کا تہ

مجلس ششمین

وزیر اوقاف و خیرات

حسن محمد حسن بن محمد حسن
موروث محمد حسن بن محمد حسن

در این کتاب و در این جزوه
عقاید و معنی و

[illegible]

40

۱۰۰
 کاشن از هر طرف چون ابرو را
 آیه ره نمون کردید و دوزان
 بکشتن چون کسی را بر دوزان
 و دایع خوشین کردیم با عل
 نهادیم پای خود را چون دران
 در آمد طاقتم را پای از جا
 با عل آن غلام دمن کرد
 بود از سبب چون سبب
 سوی پستی شدم از بس سبب
 نهادم جانب بر زمین کام
 دران بکشتن اوقاتم با منون
 از اینجا کردم انداز بلند
 بهر جا بود اوجی پانها دم
 بمن جیبی نفس اگر دوزخچه
 از هر طرف چون ابرو را
 آیه ره نمون کردید و دوزان
 بکشتن چون کسی را بر دوزان
 و دایع خوشین کردیم با عل
 نهادیم پای خود را چون دران
 در آمد طاقتم را پای از جا
 با عل آن غلام دمن کرد
 بود از سبب چون سبب
 سوی پستی شدم از بس سبب
 نهادم جانب بر زمین کام
 دران بکشتن اوقاتم با منون
 از اینجا کردم انداز بلند
 بهر جا بود اوجی پانها دم
 بمن جیبی نفس اگر دوزخچه



کاشن از هر طرف چون ابرو را
 آیه ره نمون کردید و دوزان
 بکشتن چون کسی را بر دوزان
 و دایع خوشین کردیم با عل
 نهادیم پای خود را چون دران
 در آمد طاقتم را پای از جا
 با عل آن غلام دمن کرد
 بود از سبب چون سبب
 سوی پستی شدم از بس سبب
 نهادم جانب بر زمین کام
 دران بکشتن اوقاتم با منون
 از اینجا کردم انداز بلند
 بهر جا بود اوجی پانها دم
 بمن جیبی نفس اگر دوزخچه

ازیر

۱۰۰
هنگامی که در کوه
خاکستر می‌بارید
و در کوهستان
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید

خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید
خاکستر می‌بارید



نشانه فیض عاشق وایم از اوج
چو که هر از عصمت دیده جای
ز خفتش آدم آید به نای
کجا غم خاطرش را ریش دارد
تساعت چون مراد کار ساز
چه لذت چو از این بسوی مضطرب
جایم شد بر یا خان دست
ز سامان نیست اینجا جرم
نیم هرگز خجل اندوی مهان
زور یا یکدم هم در سبب
صدف نبود که می بینی بگرد
بدین تخیل کام از جرم ندان
انگرم خضر راه پنهانی

ز باران دانه مرغانی موج
بست آب سپرده پرده داری
کنه بر کله مای شبانه
که ادا ز من غم من پیش دارد
ز اسباب جهانم نیاز نیست
ز دریا سیرم آید بغیر بال
چرخ غم خیز چشم ما پیاست
ز موج افتاده در شش جور یاک
ندارم خاموشی غم طوفان
سر و کارم بخیر آب رفته
نهاده ام خشک خوشی در آب
نگرم تیر بر جلای سوادان
طبع را چون سلام رود سنای

از کوه سحرآمیز هر چه در راه
لعل گل در دل بهر سو می‌بارد
عاشق و معشوق در سحرگاه

۱۴۰
 هجری قمری ۱۲۰۰
 قمری ۱۲۰۰

خداوند

کتاب

مدرسه

از

۱۳۵۹

مدرسه

۱۳۶۰

مدرسه

۱۳۶۱

مدرسه

۱۳۶۲

مدرسه

۱۳۶۳

مدرسه

۱۳۶۴



از

مدرسه

۱۳۶۵

مدرسه

۱۳۶۶

مدرسه

۱۳۶۷

مدرسه

۱۳۶۸

مدرسه

۱۳۶۹

مدرسه

۱۳۷۰

مدرسه

۱۳۷۱

مدرسه

۱۳۷۲

بودن که گفتیم و مان را
 زحل خود کشان مادر از را
 پیر زکر شوم از حص را می
 زدام ماسی ام هر خط کاست
 اگر هر که دهم زن در غم قوت
 ز غمت جای او آن پفرینه
 چون کشتی با حل باوان شد
 از آن کوزه اند پیر چسب
 که خاتم قصه شنیده کوی
 پیر کوه خاستن پیر دانا
 که روزی از تقاضای زمانه
 بکشتی می شدم هر شش ماه
 ز شوق صید ماسی تا شکست
 ز حصان دهم ز حصت جهان
 که دارد در شکم طفل شکم خوار
 بود کج زدام فوج ماست
 مرا اسم این چنین باخوش دا
 بین کشتی تنم را با و تا بخت
 چوبیت انتخابم در سفینه
 بروی آب همچون بطردان شد
 حکایت کوزه که در دست
 بمن از هر چه کوی دیده کوی
 لبی خبابد همچون موج دریا
 درین دریای ترفیله کرانه
 سوار آب چین همچو طفلان
 تنم از کشتی اما دل مدبر یا
 چشتم

صحنه

۱۰۰
هنگامی که در میان
مردم و شیعیان
بودند

کعبه را در میان
مردم و شیعیان
بودند

از آن که در میان
مردم و شیعیان
بودند

در میان شیعیان
بودند

مردم و شیعیان
بودند

مردم و شیعیان
بودند

مردم و شیعیان
بودند

مردم و شیعیان
بودند

بنده این جمیع مردم
مردم و شیعیان
بودند

لله اعلم
مردم و شیعیان
بودند

تعبیر کرد
مردم و شیعیان
بودند

و در میان
مردم و شیعیان
بودند

لطف خداوند
مردم و شیعیان
بودند

در میان
مردم و شیعیان
بودند

1202